

نظریه‌های تحلیل روان ۴

مقدمات روان‌شناسی فروم

زندگی در میان داشتن و بودن

اریک فروم

ویراستار: راینر فانک

مترجم: دکتر سهیلا خداوردیان

فهرست

۷	مقدمه‌ی ویراستار
۱۵	مقدمه‌ی مترجم
۱۷	در باب هنر زیستن
۲۳	بی‌خویشتنی انسان
۲۳	اقتصاد بازار و تأثیرات آن بر مردم
۲۸	خرد و هوش
۳۰	شکاف بین عاطفه و هوش
۳۵	عشق به عنوان کالا
۴۱	خاستگاه‌های شیوه‌ی وجودی داشتن
۴۱	جامعه‌ی پدرسالار
۴۶	دارایی شخصی
۴۸	شیوه‌ی داشتن و زبان

۵۱	داشتن یا بودن؟
۵۱	داشتن در مقابل بودن
۵۶	ماهیت شیوهی وجودی داشتن
۵۹	داشتن و تملک‌جویی
۶۴	ماهیت شیوهی وجودی بودن
۶۶	بودن و بازدهی

۷۱	مبانی زندگی در میان داشتن و بودن
۷۱	مصرف‌گرایی (به عنوان جبران اضطراب و افسردگی) در مقابل ...
۷۹	مشغولیت (به عنوان جبران انفعال) در مقابل فعالیت مولد
۸۳	ویرانگری (به عنوان جبران ملال) در مقابل آفرینندگی
۸۸	خودشیفتگی (به عنوان جبران اینارگری) در مقابل خودتجربه‌گری...
۹۵	بت‌پرستی (به عنوان جبران بی‌ایمانی) در مقابل دیانت انسان‌گرایانه
۱۰۴	انکار مرگ (به عنوان جبران ترس از مرگ) در مقابل عشق ...

۱۰۹	گام‌هایی به سوی بودن
۱۰۹	اراده برای تغییر منش
۱۱۷	تغییر روال زندگی
۱۲۲	دگرگونی نوع بشر
۱۳۵	درباره‌ی ویراستار

مقدمه‌ی ویراستار

زندگی ما، «زیستن در حد فاصل داشتن و بودن» است. این تجربه‌ی بسیاری از مردمانی است که بر اساس دگرآیش^۱ «داشتن و بودن» فروم به حرکت درآمدند و می‌توانند برای ایجاد تغییر در زندگی خویش، انگیخته شوند. اریک فروم، دگرآیش ذکرشده را در کتاب خویش با عنوان «داشتن یا بودن؟»^۲ در سال ۱۹۷۶ صورت‌بندی کرد. در سال ۱۹۸۹، نه سال پس از درگذشت اریک فروم، کتاب دیگری از وی با نام «هنرِ بودن»^۳ (انتشارات Continuum، ۱۹۹۲) منتشر شد که شامل فصل‌هایی بود که به قصد چاپ در کتابی که در سال ۱۹۷۶ چاپ شد، نگاشته شده بودند. اما به دلایل گوناگونی در آن زمان به چاپ نرسیدند.

دگرآیش «داشتن یا بودن» برای بسیاری از افراد، کلیدی برای درک آن چیزهایی است که به‌گونه‌ای هشیار، نیمه‌هشیار یا ناهشیار برایشان ارزش‌مند

۱. alternative کلمه‌ی alternative در انگلیسی به معنای موضوع یا مورد دارای دو یا چند شق یا گزینه است، گزینه‌هایی که می‌توانند به‌گونه‌ای متناوب به‌جای یکدیگر بیایند. اصطلاح دگرآیش با مفهوم تناوب، در متون فیزیک کاربرد دارد.

و فروم آن را در دهه‌ی ۱۹۴۰ به عنوان گزینش بین جهت‌گیری منش نامولد^۱ در برابر مولد^۲ بودن و بعدها، به عنوان گزینش بین ویرانگری^۳ (یعنی مردارگرایی^۴) و آفرینندگی^۵ (یعنی زنده‌گرایی^۶) ادراک کرد. همچنین عبارت‌ها و سخنرانی‌هایی در مورد این دگرآییش‌ها وجود دارند که به‌طور یقین منظور فروم را از «شیوه‌ی بودن در هستی» روشن می‌سازند. از آنجایی که این مطالب نیز عمدتاً ناشناخته هستند، در این کتاب گنجانده نشده‌اند.

نکته‌ی آخر اینکه، کتاب حاضر شامل بخش‌هایی اساسی از دو کتاب «داشتن یا بودن؟» و «هنر بودن» است، که اهمیت خاصی برای پرسش زندگی بین داشتن و بودن و پرسش‌های مربوط به جهت‌یابی بودن دارند. همچنین نسخه‌ی دست‌نویس منتشرنشده‌ای مربوط به «داشتن یا بودن؟» را شامل می‌شود.

متون این کتاب به‌گونه‌ای گزینش شده‌اند که توالی و تمامیتی جامع را پدید می‌آورند. گزینش و گردآوری‌های متوالی، هر یک علاقه‌ی ویژه‌ای را دنبال می‌کنند. یکی از این علائق، توضیح مفهوم زندگی با جهت‌گیری داشتن و نیز جهت‌گیری بودن است. از این رو، فصل «شالوده‌ی زندگی در میان داشتن و بودن»، بخش کلیدی آن است. ویژگی جهت‌گیری به سوی داشتن و نیز جهت‌گیری به سوی بودن، برخورداری از تجلیاتی بسیار آشکار است. در چنین مواردی، تمایزهایی بین تجلی مستقیم و معمول جهت‌گیری به سوی داشتن و نیز تظاهراتی جبرانی که ویژگی این نوع جهت‌گیری است، ایجاد شده است.

- «لذت زندگی» معمولاً نصیب شخصی می‌شود که جهت‌گیری بودن را دارد. برعکس، آن کس که جهت‌گیری داشتن را اتخاذ می‌کند، احساس افسردگی دارد و هراسان است که «خویشتن» خود را از دست بدهد و از این رو، تمایل دارد این فقدان را عمدتاً از طریق مصرف‌زدگی و سواس‌گونه جبران کند.
- آن کس که جهت‌گیری بودن را دارد، به‌گونه‌ای مولد، فعال است و به واسطه‌ی

است و آن چیزهایی که به‌راستی با شور و حرارت در زندگی دنبال می‌کنند. آن نهنها ما را قادر به فهم و تشخیص مفهوم آنچه در درونمان می‌گذرد می‌سازد، بلکه در عین حال راهنمای کارآمد و ماندگاری برای تغییر زندگی‌مان محسوب می‌شود.

هر آن کس که برای تشخیص گرایش خود به سوی داشتن و تمرین برای گزینه‌ی مخالف آن (یعنی بودن) تلاش می‌کند، نیاز به یادگیری هر چه بیشتر در مورد مسیر این کار، در او شکل می‌گیرد. ویراستار این متن که به دگرآییش «داشتن یا بودن» اهمیت می‌دهد، امیدوار است که این نیاز را بیابد. او در صدد جابه‌جا کردن مطالب دو کتاب «داشتن یا بودن؟» و «هنر بودن» نیست، بلکه به دنبال تکمیل آنهاست. این امر ناشی از گزینش متن‌های گردآمده در اینجا و نیز، شیوه‌ی تدوین این متون است. به‌علاوه، «مقدمات روان‌شناسی فروم: زندگی در میان داشتن و بودن» در صدد کاهش تعداد سوءتفاهم‌های بی‌شماری است که دگرآییش «داشتن یا بودن» را احاطه کرده‌اند. همچنین مشخص کردن آن جنبه‌هایی که پس از آشنایی حدوداً بیست‌ساله با این دگرآییش، سودمندی و آموزنده بودن آنها آشکار شده است.

بخش زیادی از آن مطالبی که در قالب واژگانی مناسب در دو کتاب ذکر شده صورت‌بندی شده است، تنها به‌شکل شفاهی اثربخشی دارد. از این رو، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها، بخش تکمیلی و الحاقی مهمی هستند. در واقع، اریک فروم تمامی کتاب‌های خود را به زبان انگلیسی نوشت. اما هنگامی که در دهه‌ی ۱۹۷۰ در حال نوشتن «داشتن یا بودن» بود، به ایراد سخنرانی‌هایی به زبان آلمانی پرداخت و مصاحبه‌های بی‌شماری نیز به زبان‌های آلمانی انجام داد. متن نوشتاری این سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها، که یا غیرقابل دسترسی، یا به‌دشواری در دسترس هستند، بخش قابل توجهی از کتاب حاضر را تشکیل می‌دهند.

دگرآییش «داشتن یا بودن» به عنوان جهت‌گیری اساسی در تلاش‌های شورانگیز منش ما، قبل از آن که فروم در اواخر زندگی خود یک کتاب را به آن اختصاص دهد، ذهن وی را اشغال کرده بود. این دگرآییش قبلاً توسط مایستر اکهارت و کارل مارکس (اریک فروم، در باب انسان بودن، ۱۹۹۲) مطرح شده بود

1. nonproductive	2. productive	3. destructiveness
4. necrophilia	5. creativity	6. biophilia